

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
19 سپتمبر 2009

شکوه

(7) در افغانستان :

{ الف }

قصه درینجا نگهش دار دار

فرصتی بر این قلم ببقرار

تا شنوی بار دگر از عجب

شکوه بسی گشت ، زیاد از رجب

ای و جب و ای رجب و ای عجب

شکوه شده ، پشت شما در و جب

میروم اکنون طرف میهنم

تا خبری از وطن و مسکنم

خانه و کاشانه ویران شده

باغ و چمن دوزخ سوزان شده

ای و جب و ای رجب و ای عجب

شکوه شده ، پشت شما در و جب

از در و دیوار و ز سقف و زمین

غندل و قانغوزک و کرم چمین

طالب پشمینه و ، سوغات بوش

گژدم و چلیاسه و چون مار و موش

ای و جب و ای رجب و ای عجب

شکوه شده ، پشت شما در و جب

حامل چلتار و عبا و قبا

مرکز فحشا و ریا و جفا

طالب و ملا و چلی ، پخیلو

با یخن و دامن پُر چرک و بُو

ای و جب و ای رجب و ای عجب

شکوه شده ، پشت شما در و جب

یک خبر تازه و جالب شنو

باند تروریست و ز طالب شنو

ریش گره خورده و با چشم کور

زاده شده ، آمده از بین گور

ای و جب و ای رجب و ای عجب

شکوه شده ، پشت شما در و جب

پشم ، به هر کوچه فراوان شده

حال همه زار و پریشان شده

امر به معروف شدی جلوه گر

نهی ز منکر همه جا پرده در

ای و جب و ای رجب و ای عجب

شکوه شده ، پشت شما در و جب

شکوه

(7) در افغانستان :

{ ب }

ملا عجب ، رهبر دینی شدی
نوکر انگلیسی و چینی شدی
قیچی روسیش ، به بینی شدی
ریشک او ، کشت زمینی شدی
وای عجب ، طالب افغان نگر
تازه امیری ، به مسلمان نگر

بقیه دارد